

بررسی و مقایسه مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران و تاجیکستان

سعید خراطها*

چکیده

مسائل اقتصادی به آن دسته از مسائل حوزه اقتصاد گفته می‌شود که شرایط نامساعدی را برای زندگی اجتماعی افراد به وجود می‌آورند و حیات اقتصادی و اجتماعی را به خطر می‌اندازند. مقاله حاضر حاصل مطالعات اکتشافی و عملیات میدانی است که در قالب پژوهشی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای مسائل اقتصادی-اجتماعی و دموگرافیک ایران و تاجیکستان» انجام شده است.

در این پژوهش، ابتدا، با استفاده از منابع و اسناد (در پی نوشت به برخی از این منابع اشاره شده است)^۱ و مصاحبه‌های اولیه، فهرست معتبری از مسائل اقتصادی ایران و تاجیکستان (۳۴ مسئله اقتصادی در ایران و ۳۸ مسئله اقتصادی در تاجیکستان) شناسایی شد. این فهرست در اختیار ۵۰ نفر از خبرگان حوزه علوم انسانی ایران و ۴۸ نفر از خبرگان تاجیکستان قرار گرفت تا مهم‌ترین مسائل اقتصادی هر کدام از کشورها از نظر خبرگان آن‌ها شناسایی شود. پس از شناسایی، دوازده مسئله، از مهم‌ترین مسائل دو کشور، در قالب پرسش‌نامه‌ای در اختیار ۴۰۰ نفر از مردم ایران و همچنین تاجیکستان قرار گرفت تا از این طریق مهم‌ترین مسائل اقتصادی دو کشور شناسایی شوند؛ تورم و گرانی، ناتوانی از رقابت اقتصادی در بازار جهانی، فساد اداری (رانت‌خواری، پارتی‌بازی، و رشوه)، بی‌کاری، ناامنی اقتصادی، قاچاق کالا، پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزد، و فقر اقتصادی از مهم‌ترین مسائل اقتصادی شناسایی شده در ایران بودند. برخی از مهم‌ترین مسائل اقتصادی شناسایی شده در تاجیکستان نیز عبارت بودند از بی‌کاری، فساد اداری (رشوه‌گیری پلیس و رشوه‌گیری در ادارات دولتی، پارتی‌بازی، و رانت‌خواری)، ناتوانی رقابت تولیدات داخلی با محصولات وارداتی، نبود شرایط

* دکترای رشته دموگرافی، آکادمی علوم تاجیکستان پژوهش‌گر saeed.khartha@gmail.com

کار، کمبود و نارسایی گاز مصرفی، وابستگی اقتصادی به کشورهای خارجی، و پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزدها.

کلیدواژه‌ها: مسائل اجتماعی، مسائل اقتصادی ایران، مسائل اقتصادی تاجیکستان، مطالعات اکتشافی، عملیات میدانی، دموگرافیک ایران و تاجیکستان.

۱. مقدمه

تاریخ روابط دو کشور ایران و تاجیکستان، به‌عنوان دو کشور مستقل، به حدود سال ۱۳۷۰ هجری شمسی، یعنی زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال و تشکیل کشور تاجیکستان، باز می‌گردد. البته این ارتباطات را می‌توان به دو تا سه هزار سال پیش و ارتباط بین سرزمین‌های پارس و تاجیکستان نیز رساند. در واقع، تاجیک‌ها بازماندگان آریایی‌های اصیل و ایرانی تبارهایی هستند که خود را از اختلاط و آمیزش با اقوام مختلف، به‌ویژه مغولان، محفوظ داشته‌اند. تا حدود ۳۰۰ سال پیش، مناطق تاجیکستان و ایران به همراه برخی سرزمین‌های دیگر کشور واحدی بوده‌اند؛ به بیان دیگر، طی سلسله‌های پادشاهی گوناگون، دو کشور ایران و تاجیکستان سرزمین واحدی را تشکیل می‌داده‌اند.

در دوران معاصر و تا قبل از فروپاشی شوروی روابط ایران با تاجیکستان از کانال مسکو انجام می‌شد اما بعد از استقلال این کشور، روابط دوجانبه میان ایران و تاجیکستان به‌طور مستقیم و بدون واسطه انجام می‌شود. پس از تحولات اخیر، و با توجه به ترک‌زبان بودن کلیه جمهوری‌های آسیای مرکزی که تاجیکستان را احاطه کرده‌اند، تاجیک‌ها ایران را به‌مثابه وطن فرهنگی خود به‌شمار می‌آورند و به سبب اشتراک در زبان، فرهنگ، مذهب، و میراث فرهنگی و تاریخی مشترک روی به سوی ایران دارند و می‌خواهند با این رویکرد هویت فرهنگی خود را احیاء کنند. با توجه به علاقه و خواست مردم، و نیز مصالح سیاسی، دولت‌مردان تاجیک سعی در تعمیق روابط خود با ایران دارند؛ البته این میل و علاقه دوجانبه است و، به سبب تعلقات فرهنگی و تاریخی بسیار، مردم ایران نیز به ایجاد ارتباط گسترده و عمیق با کشور تاجیکستان ترغیب می‌شوند؛ روابط دیپلماسی دولت‌مردان ایران با تاجیکستان همواره مورد پسند و استقبال ایرانیان بوده است. فراتر از آن، در هر دو کشور جمعی از اندیشمندان وجود دارند که به احیای مجدد «ایران بزرگ» می‌اندیشند که در آن کشورهای حوزه زبان فارسی و تمدن ایران باستان دوباره از اشتراکات سرزمینی برخوردار شوند. فارغ از روابط حکومتی بین دو کشور ایران و تاجیکستان، و جست‌وجوی هرگونه

منافع (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و...) که از این ارتباط حاصل می‌شود، تعداد بسیاری از مردم، دانشمندان، و مسئولان دو کشور به ایجاد ارتباط فرهنگی و اجتماعی گسترده با یکدیگر تمایل دارند و از پیوندهای تاریخی و اشتراکات موجود در زبان، دین، مذهب، هویت، آثار باستانی، و افتخارات مشترک تاریخی، مربوط به پیش و پس از اسلام، استقبال می‌کنند. با این حال، همان‌طور که در ایران عده‌ای از گرایش بیش از حد تاجیکستان به روسیه خرسند نیستند، در تاجیکستان هم عده‌ای روند نزدیکی دو کشور ایران و تاجیکستان را تلاش ایران برای اعمال نفوذ در جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌دانند و آن را کوششی برای ایجاد دولتی اسلامی، شبیه ایران، در تاجیکستان قلمداد می‌کنند.

بسترها و امتیازات متنوعی در ارتباط ایران با تاجیکستان وجود دارد که از آن جمله می‌توان امتیاز هم‌آیینی و هم‌کیشی، امنیت و قرابت جغرافیایی، اشتراکات فرهنگی-تاریخی، اشتراک زبانی با برخی از اقوام، حضور ایرانیان مقیم، و همین‌طور امتیاز غلبه تأثیرگذاری (ایران) بر تأثیرپذیری را برشمرد (لطفی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۹). علاوه بر وجود زمینه‌های تاریخی فراوان، که برای همکاری و ارتباطات دو کشور وجود دارد، شرایط دو کشور در جامعه جهانی، ضرورت توسعه اقتصادی و اجتماعی، وجود مسائل اقتصادی، نیاز به همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای عبور از بحران‌های اقتصادی و سیاسی، و همین‌طور امکان همکاری برای حل مناقشات مرزی و مسائل امنیتی برقراری ارتباط گسترده بین دو کشور را ضرورت می‌بخشند.

با این حال، به‌رغم مطالب پیشین و کشش‌ها و فرصت‌های فراوان، عواملی وجود دارند که نحوه همکاری‌ها و چگونگی استفاده از این مزیت‌ها را به چالش می‌کشند؛ از مهم‌ترین این عوامل ماهیت اقتصاد دو کشور است.

اقتصاد ایران در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برد و مجموعه و سیستم خاصی است که رکود تورمی جلوه آن، توزیع ناعادلانه و گریز منابع وجه مشخصه ساختاری آن، و کم‌رشدی و فقر و کم‌بهره‌وری نتایج ماندگار آن است. مجموعه این عوامل سیستم نامتعادل و غیرقابل پیشرفت را تقویت می‌کنند (رئیس‌دانا، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

هرچند تاجیکستان در اندیشه وابسته‌شدن به اقتصاد ایران است اما تفاوت‌های ساختاری اقتصاد کمونیست‌زده تاجیکستان محدودیت‌هایی را در این ارتباط به وجود آورده است. به‌علاوه، کمبود نسبی جمعیت (حدود هشت میلیون نفر)، که ۷۳ درصد آن‌ها را روستاییان تشکیل داده‌اند، قدرت تاجیکستان در منطقه را با چالش روبه‌رو ساخته است. این کشور

هنوز به منابع نفت و گاز خود دست نیافته است و نشانه‌های روشنی از اقتصاد معیشتی و شیوه سستی حیات اجتماعی را همراه دارد. پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزدها و کمبود اشتغال در تاجیکستان جمع‌کنندگی را مجبور به مهاجرت ساخته است. این مهاجرت‌ها، مخصوصاً سیل مهاجرت سرپرستان خانوار به خارج (مشخصاً روسیه)، پیامدهای اقتصادی-اجتماعی فراوانی بر مردم تاجیکستان وارد کرده است؛ پیامدهایی مانند بیوه‌شدن زنان، بی‌سرپرست‌ماندن زنان و کودکان، تکدی، فقر، و کمبود نیروی کار برای به چرخش درآوردن زیرساخت‌های اقتصاد. مزیت‌های عمده اقتصادی این کشور برخورداری از آب فراوان، میوه، پنبه، آلومینیوم، ظرفیت‌هایی در پذیرش توریست، قرارگرفتن در مسیر مبادلات تجاری آسیای میانه، و همسایگی با چین است.

با این حال، این کشور هنوز مستعد جنگ داخلی است و با مسئله فساد اداری به معنای عام و گسترده آن روبه‌روست. این پدیده رمق از اقتصاد و توسعه این کشور ربوده است و با بنیه محدود باقی‌مانده در شرایط کنونی، هیچ‌کس را یارای مقابله با این پدیده نیست. از این منظر (فساد اداری) تاجیکستان آینه‌ای تمام‌نما و عبرت‌آموز برای ایران است، چه آن‌که رشد فساد اداری در ایران نیز به مرزهای بحران نزدیک شده است و بیم آن می‌رود که، علاوه بر سرمایه‌های اجتماعی، بنیان‌های اقتصادی و فرهنگی و حتی سیاسی را فرو ریزد (خراطها، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

بنا به صحبت‌های گفته‌شده روشن است که شناخت وضعیت و آشنایی با مسائل دو کشور، برای شناسایی زمینه‌های موجود برای همکاری‌ها و شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی از اهمیت بالایی برخوردار است و پژوهش‌هایی که به مسائل و اولویت‌های اقتصادی-اجتماعی ایران و تاجیکستان بپردازند می‌توانند زمینه‌ساز شناخت دو کشور از وضعیت یکدیگر شوند و چالش‌های اصلی برای همکاری‌های دو جانبه را روشن کنند.

۲. مبانی نظری

۱.۲ مسئله اجتماعی چیست؟

«مسائل اجتماعی» - به اعتقاد اکثریت افراد جامعه - وضعیت‌ها و شرایطی هستند که کیفیت زندگی افراد و گروه‌های اجتماعی را مختل می‌کنند، مهم‌ترین ارزش‌های عام را

به خطر می‌اندازد، و، به‌رغم تلاش‌های فراوان افراد، مانع دست‌یابی افراد به آرمان‌ها و هدف‌های مشروع می‌شوند. از این رو، افراد و گروه‌های اجتماعی به این باور می‌رسند که برای تغییر یا اصلاح وضع موجود باید به اقدامی جمعی دست زنند.

در تعریف مسائل اجتماعی توجه به این نکته لازم است که مسائل اجتماعی لزوماً شامل مسائلی نیستند که مربوط به حوزه اجتماع و حوزه جامعه‌شناسی باشند بلکه اجتماعی شدن هریک از مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی است که مسئله اجتماعی را تشکیل می‌دهد. اجتماعی شدن مسائل به معنی شایع شدن، رواج یافتن، فراگیر شدن، و مورد توجه عموم قرار گرفتن آن مسئله است. شیوع هریک از مسائل اقتصادی، اجتماعی، و ... را می‌توان از آمار و ارقام، نظرسنجی‌ها، و نظرات گروه‌های مرجع مانند خبرگان، مردم، مسئولان، و ... شناسایی کرد.

درواقع، مسائل اجتماعی در مسیر تحولات اجتماعی و بر سر راه توسعه قرار گرفته‌اند و، ضمن ممانعت از پیشرفت و رسیدن به وضعیت مطلوب، باعث عقب‌ماندگی جوامع می‌شوند. ریشه مسائل اجتماعی در بطن نهادهای اجتماعی است و بر اثر کارکرد نامناسب آن‌هاست که این مسائل شکل می‌گیرند، در گذر زمان چهره می‌نمایند، فراسوی افراد و گروه‌های اجتماعی عمل می‌کنند، و جنبه‌های عینی و ذهنی به خود می‌گیرد. مسائل اجتماعی در متن جامعه بروز می‌کنند و در بستر زمان می‌توانند به آسیب‌دیدگی افراد منجر شوند و بسترهای انحرافی ایجاد کنند. رفتارهای انحرافی نیز زمانی تبدیل به مسئله اجتماعی می‌شوند که نظام گسیختگی و ناهم‌نوایی در جامعه چنان گسترش یابد و رفتارهای مذکور به‌حدی شیوع یابند که برای اقشار مختلف جامعه شرایط رنج‌آوری به وجود آورند و حیات اجتماعی را دچار اختلال کنند؛ گاهی رفتاری انحرافی بر اثر شیوع عادی تلقی می‌شود و به صورت هنجار درمی‌آید. در این حالت اوضاع برای خبرگان، مردم، و مسئولان پیچیده و دشوار می‌شود (آقابخشی، ۱۳۸۸: ۲۴).

از آن‌جا که امروزه توسعه، اصلاح، و بهبود حیات اجتماعی در همه جوامع مدنظر قرار گرفته است، هرگونه تلاش برای اصلاح، رفع، و پیش‌گیری از بروز مسائل اجتماعی به معنای تلاش برای رفع موانع توسعه و پیامدهای عقب‌ماندگی است. بنابراین، موفقیت در مقابله با مسائل اجتماعی معرف موفقیت در امر توسعه و بهبود حیات اجتماعی جامعه است. البته حل مسائل اجتماعی تابع خواست و اراده جمعی مردم و مسئولان است و در مرحله اول «پذیرش وجود مسئله» و «فراخوان عمومی برای حل هر مسئله» از اهمیت

بالایی برخوردار است؛ بسیاری از مسائل موجود در کشورها به سبب انکار وجود مسئله از طرف مسئولان امکان بروز و ظهور یافته‌اند و با هدف رشد خود مسائل دیگری را نیز پدید آورده‌اند (خراطها، ۱۳۸۸: ۲۷).

براساس تعریفی دیگر، که اشاره به تبیین اجزای ذهنی مسائل اجتماعی دارد و از رویکردهای کارکردگرا و تضاد ارزشی است، مسئله اجتماعی فرایندی است که طی آن برخی گروه‌ها پیروزمندان موفقی می‌شوند شرایطی را در جامعه خود به‌مثابه «مسئله اجتماعی» معرفی کنند. از سوی دیگر، جامعه‌شناسان معمولاً مسئله اجتماعی را وضعیت ظاهر شده‌ای می‌دانند که با ارزش‌های تعداد قابل توجهی از مردم مغایرت دارد و معتقدند باید برای تغییر آن وضعیت اقدام کرد (رایبگن، ۱۳۸۲: ۲۲).

برای روشن‌تر ساختن رویکرد این مقاله بیان نکاتی لازم است.

نکته ۱. در مقابل «مسائل اجتماعی» مسائل «فردی» وجود دارند که مربوط به وضعیت شخص و ارتباط درهم‌تنیده او با دیگران هستند. در مسائل فردی فقط ارزش‌های مدنظر فرد تهدید می‌شود؛ به همین علت، با مراجعه به او می‌توان به مسئله فردی وی پی برد و درصدد چاره بود. برخی از پژوهش‌گران، و به‌ویژه مسئولان حکومتی، به طرز زیرکانه‌ای از طرح مسائل اجتماعی طفره می‌روند و به جای آن‌ها مسائل فردی کم‌ارزش و مسائل حکومتی غیراجتماعی را پربها می‌کنند (آقابخشی، ۱۳۸۸: ۷).

نکته ۲. باید در نظر داشت که برخی مسائل اجتماعی ویژگی ذاتی نظام اجتماعی غالب جامعه هستند و ممکن است در قالب نظام اجتماعی موجود امکان بهبود نداشته باشند. در این صورت، نظام موجود مانع اصلی تحول و تکامل و عمده‌ترین مسئله اجتماعی جامعه به شمار می‌رود. تحت چنین شرایطی است که مردم به انقلاب و تحول نظام موجود گرایش پیدا می‌کنند (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۴).

برای تشخیص مسائل اجتماعی به چهار اصل ذیل باید توجه کرد:

۱. وجود شرایط دشوار و رنج‌آور در جامعه؛

۲. گستردگی و عرصه وسیع این شرایط؛

۳. تغییرپذیری شرایط موجود؛

۴. تغییر شرایط موجود با اقدام جمعی.

مثلاً در جامعه امروز ایران اعتیاد، هم به‌مثابه مسئله‌ای اجتماعی و هم از جنبه‌ای به‌منزله آسیب اجتماعی، شیوعی بی‌سابقه دارد و، برخلاف دهه‌های گذشته، منحصر به گروه و قشر

خاصی نیست به گونه‌ای که سن شروع اعتیاد به زیر سن ۱۵ سالگی رسیده است. این شرایط رنج‌آور در جامعه، به سبب گستردگی و شیوع آن و البته تغییرپذیری این وضعیت با اقدامی جمعی، بیان‌کننده بروز مسئله‌ای اجتماعی است (آقابخشی، ۱۳۸۸: ۱۲).

۲.۲ ادعاسازی (ادعای وجود مسئله)

لازمه ساخته شدن موفقیت‌آمیز مسئله‌ای اجتماعی متقاعد شدن دیگران نسبت به این امور است؛ اول این که شرایطی وجود دارد، دوم این که این شرایط مشکل‌زا و گسترده و شایع است، سوم و چهارم این که شرایط می‌تواند تغییر یابد و باید تغییر یابد. نمی‌توانیم فرض را بر این قرار دهیم که تجارب شخصی تک‌تک مخاطبان آنان را به این درک می‌رساند زیرا جهان ما بزرگ‌تر از آن است که چنین کاری در آن انجام شود. درست است که ما می‌توانیم اثر چیزی را بر خودمان درک کنیم اما به علت گستردگی مسئله اجتماعی تجارب شخصی مان برای درک آن کافی نیست. ادعای بیان یا اظهار زبانی، در نگرش سازه‌گرایانه اجتماعی، نمایش یا رفتاری است که درصدد است دیگران را بر جدی گرفتن شرایطی متقاعد کند. این نگرش از ما نمی‌خواهد که به حقیقت امور توجه کنیم بلکه می‌خواهد که این ادعاها را باور کنیم (یا نکنیم). بنابراین، گرچه ممکن است این سبک و شیوه را دوست نداشته باشیم اما باید در نظر داشت که در بازی مسائل اجتماعی «حقیقت» مهم نیست بلکه مهم آن است که «آنچه دیگران به آن اعتقاد دارند» همان حقیقت است و این که «آیا مردم این ادعا را حقیقت می‌دانند یا نمی‌دانند» است که اهمیت دارد (لوزیک، ۱۳۸۳: ۵۰).

۳.۲ رقابت میان ادعاها (رقابت در ارتباط با وجود داشتن یا وجود نداشتن یک مسئله)

ادعاسازان درباره این که «آیا شرایطی مسئله هست یا نیست؟»، درباره این که «مهم‌ترین اخلاقیات چیست؟»، و درباره این که «به چه اخلاقیاتی تجاوز شده است؟» با هم موافق نیستند. رقابت دیگری که معمول است رقابت بر سر تعداد است. در این وضعیت شرایطی را می‌توان مسئله اجتماعی دانست که شایع باشد. بنابراین، رقابت‌های بسیاری بر سر حدود و اندازه‌های شرایط وجود دارد. جدال‌های آماری در رقابت‌ها بر سر مسائل اجتماعی بسیار مهم است. پیرو شدن در بازی مسائل اجتماعی مستلزم آن است که حضار بر سر شایع بودن

شرایطی متقاعد شوند. جنگ و درگیری بر سر تعداد از جمله انواع مهم رقابت است (لوزیک، ۱۳۸۳: ۷۱)، مثلاً رقابت بر سر تعداد معتادین در کشور ایران.

هم‌چنین رقابت‌هایی بر سر تلقی از پیامدهای شرایط وجود دارد و دیگران باید متقاعد شوند که پیامدهای برخی شرایط مشکل‌زا است؛ مثلاً آیا نمایش صحنه‌های خشونت‌بار منجر به گسترش خشونت در میان تماشاکنندگان چنین صحنه‌هایی خواهد شد؟ یا موجب کاهش آن می‌شود؟ این نوع رقابت‌ها رقابت بر سر پیامدهای شرایط هستند.

به‌علاوه، بر سر تلقی‌هایی که دربارهٔ قربانیان و مقصران بروز مسائل اجتماعی وجود دارد نیز، میان ادعاها و ادعاکنندگان، رقابت دیده می‌شود. آیا افرادی که از شرایطی ضرر و زیان می‌بینند واقعاً قربانی هستند یا این‌که این افراد مسئول گرفتاری‌ای هستند که برای‌شان ایجاد شده است؟

۴.۲ مسئله‌سازی و مسئله‌پردازی

مسئله‌سازی مبتنی بر غیرواقعی بودن مسائل اجتماعی است؛ پژوهش‌گر، حین مسئله‌یابی، مسائل اجتماعی موجود را درمی‌یابد ولی در «مسئله‌آفرینی» و «مسئله‌سازی» چیزی که مسئله نیست به‌مثابهٔ مسئله مطرح می‌شود. مسئله‌سازی‌ها اغلب از طرف دولت‌ها مطرح می‌شوند ولی برخی منتقدان، پژوهش‌گران، و افراد نیز ممکن است چنین اقدامی انجام دهند.

معمولاً دولت‌ها و طبقات اجتماعی مسلط تلاش دارند عوامل تهدیدکنندهٔ منافع خود را به‌منزلهٔ مسائل مردم معرفی کنند. این امر نوعی عوام‌فریبی است و با طرح مسئله به معنی حقیقی کلمه، که شرایط و الزامات آن ذکر شد، فرق دارد.

حکومت‌ها مسائل اجتماعی را از دیدگاه حکومتی می‌نگرند و اهمیت و لزوم پرداختن به آن را در ارتباط با منافع حکومتی و حاکمیتی خود تفسیر می‌کنند.

گزینش کردن برخی مسائل از بین انبوهی از مسائل اجتماعی و پرداختن به آن‌ها (یعنی هزینه‌کردن، اختصاص دادن زمان، بسیج نیروها، و...) توسط حاکمان امری مشهود است؛ مثلاً در ایران، دولت از تأیید وجود مسئلهٔ «تورم افسارگسیخته» طفره می‌رود و گران‌فروشی برخی کسبه را عامل گرانی معرفی می‌کند.

۵.۲ منابع تشخیص مسائل اجتماعی (تفاوت در تشخیص)

شناخت مسائل اجتماعی بستگی به شناخت علمی اهداف و آرمان‌های جامعه، امکانات، و

محدودیت‌های موجود بر سر راه تحقق آن‌ها دارد؛ البته این اهداف و آرمان‌ها برحسب هریک از واحدهای اجتماعی تغییر می‌کنند.

معمولاً مردم هر جامعه، به‌ویژه جوامع کم‌تر توسعه‌یافته یا در حال گذار، بیش‌تر به اهداف و آرمان‌های خود می‌اندیشند، نسبت به عوامل و موانع اساسی مؤثر در تحقق آن‌ها آگاهی کم‌تری دارند، و بیش‌تر به مسائل شخصی و «خاص» خود توجه دارند تا مسائل اجتماعی و «عام».

بنابراین، راه‌حل‌های پیشنهادی آنان بیش‌تر فردی و سطحی‌اند و جنبه‌ی درمانی دارند تا پیش‌گیری. بدین ترتیب، نباید به تشخیص افراد عادی اکتفا کرد چراکه ممکن است آنچه آن‌ها می‌گویند با مسائل اجتماعی حقیقی فاصله داشته باشد.

پژوهش‌گران نیز گاهی بیش‌از حد تحت‌تأثیر دادوفریادها و القائات سیاسی قرار می‌گیرند و این امر آنان را در تشخیص مسائل اساسی و راه‌حل‌های مناسب دچار مشکل می‌سازد.

چارلز رایت میلز (Charles right mills) معتقد است که مردم عادی، به سبب ضعف بینش جامعه‌شناختی، قادر نیستند بین مشکلات خرد و حقیر خصوصی خویش و مسائل اجتماعی عام تفاوت قائل شوند؛ بنابراین، وظیفه‌ی جامعه‌شناس این است که ریشه‌های ساختاری مسائل اساسی جامعه، که بخش قابل‌توجهی از مردم به آن‌ها مبتلا هستند، را دریابد و، با ترویج بینش‌ها و یافته‌های جامعه‌شناختی، مردم را از موانع اساسی توسعه و تکامل حیات اجتماعی آگاه سازد و آنان را در ساختن تاریخ و تکامل بخشیدن به حیات اجتماعی‌شان راهنمایی و یاری کند (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۲۵).

با این حال، و بر اساس مطالب پیش‌گفته، مسائل اجتماعی را از طریق بررسی آماری و حداقل سه گروه منبع و مرجع می‌توان شناسایی کرد:

۱. مردم؛
۲. مسئولان (حاکمان، کارگزاران دولتی)؛
۳. نخبه‌ها و خبره‌ها (کارشناسان آگاه حوزه‌ی علوم انسانی).

هریک از این سه گروه، در تحلیل مسائل اجتماعی و معرفی آن‌ها، با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. به نظر می‌رسد در صورتی که ذهنیت فراگیر مردم و نگرش عمیق و کارشناسانه‌ی خبره‌ها را به‌طور جداگانه و در کنار یکدیگر بررسی کنیم می‌توانیم به یافته‌های معتبرتری در ارتباط با تشخیص مسائل اجتماعی شده دست یابیم.

لازم به یادآوری است که در هر دو کشور ایران و تاجیکستان محدودیت‌ها و تردیدهایی در ارتباط با آمارهای رسمی وجود دارد از این رو، آمارهای موجود در دو کشور، در تحلیل مسائل دو کشور، اعتبار کافی ندارند. به‌علاوه، فراوانی رخدادی ناگوار در کشوری لزوماً به معنای وجود مسئله در آن کشور نیست بلکه بر ساخت‌های ذهنی افراد در جامعه است که رخدادی را مسئله می‌پندارد.

۳. روش‌شناسی

۱.۳ روش پژوهش

این پژوهش مبتنی بر انجام مطالعه اکتشافی و اجرای عملیات میدانی است.

۱.۱.۳ مطالعه اکتشافی

به منظور دست‌یابی به فهرستی معتبر از مسائل اقتصادی ایران و تاجیکستان ابتدا به منابع و اسناد معتبر شامل پژوهش‌ها و مقالات علمی-پژوهشی و سپس کتب معتبر و همین‌طور سایت‌های اینترنتی و گزارش‌های خبری مربوط به این حوزه مراجعه شد و در ادامه، فهرستی از مسائل «شناسایی شده» ایران و تاجیکستان تهیه شد.

فهرست مسائل حاصل از مطالعه اسناد، با هدف تکمیل و روزآمدسازی، در اختیار پنج نفر از خبرگان معتبر و آشنا به موضوع «مسائل اقتصادی» قرار گرفت و از ایشان در ارتباط با سایر مسائل شناسایی شده در ایران و در تاجیکستان نظرخواهی شد. این‌گونه فهرستی از مسائل ایران و تاجیکستان به دست آمد که مبنای پرسش‌های مربوط به عملیات میدانی قرار گرفت.

با هدف تعیین اولویت‌ها، و جایگاه هر مسئله در بین مسائل اقتصادی ایران و تاجیکستان، طی دو مرحله، و ضمن مراجعه به دو جامعه آماری معتبر، اطلاعات لازم جمع‌آوری شد.

۲.۱.۳ مرحله اول: (مطالعه میدانی) مصاحبه با خبرگان

در این مرحله، مصاحبه‌ای با ۵۰ نفر از خبرگان فعال در حوزه مسائل اقتصادی ایران و تاجیکستان انجام شد. بر این اساس، پاسخ‌گویان به هریک از مسائل شناسایی شده، با توجه به شیوع و اهمیت آن‌ها، امتیازی از صفر تا ده (۰ تا ۱۰) دادند.

۳.۱.۳ مرحله دوم: (مطالعه میدانی) مصاحبه با مردم

پس از جمع‌آوری و پردازش اطلاعات دریافتی از خبرگان نظر آن‌ها در خصوص مسائل مهم‌تر و شایع‌تر در حوزه اقتصاد شناسایی شد و سپس بر آن اساس دوازده مسئله از مهم‌ترین و شایع‌ترین مسائل ایران و تاجیکستان، در قالب پرسش‌نامه‌ای، در اختیار تعدادی از مردم ایران و تاجیکستان (نمونه انتخابی) قرار گرفت. مردم نیز در این مرحله به هریک از دوازده مسئله مهم اقتصادی کشور خود، با توجه به شیوع و اهمیت آن‌ها، نمره‌ای از صفر تا ده (۰ تا ۱۰) دادند.

۲.۳ ابزار پژوهش

ابزارهای پژوهش، بر اساس ویژگی‌های روش و جامعه آماری، شامل موارد ذیل است:

۱. طراحی پرسش‌نامه: از فهرست مسائل ایران و تاجیکستان و طی چند مرحله مراجعه به کارشناسان خبره، با هدف دستیابی به فهرستی معتبر و جامع در قالب مطالعه اکتشافی، پرسش‌نامه‌ای تهیه شد؛

۲. انجام مصاحبه ساخت یافته (۱): با هدف جمع‌آوری اطلاعات مربوط به شناسایی مهم‌ترین مسائل ایران و تاجیکستان مصاحبه‌ای انجام شد. در این مرحله، پرسش‌نامه‌ای مبنای مصاحبه قرار گرفت و نظر کارشناسان خبره جمع‌آوری شد؛

۳. انجام مصاحبه ساخت یافته (۲): پس از شناسایی مهم‌ترین مسائل ایران و تاجیکستان و شناسایی مهم‌ترین مسائل (طبق نظر کارشناسان خبره) اطلاعات به‌دست‌آمده با نرم‌افزار SPSS پردازش شد و دوازده مسئله مهم و برتر شناسایی شده از مسائل اقتصادی ایران و تاجیکستان، در قالب پرسش‌نامه‌ای، در معرض پاسخ شهروندان هر دو کشور (نمونه‌های انتخاب شده) قرار گرفت. در این مرحله، پرسش‌گران، طی گفت‌وگوی حضوری، پرسش‌نامه‌های طراحی شده را تکمیل کردند و پاسخ پرسش‌نامه‌ها این‌گونه جمع‌آوری شد.

۳.۳ جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش در مرحله مطالعه اکتشافی را اسناد علمی تشکیل می‌دهند و در مطالعات میدانی نیز جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان (کارشناسان) و مردم (ایران و تاجیکستان) بوده است.

۱.۳.۳ عملیات میدانی (مصاحبه با خبرگان) در ایران و تاجیکستان

در این مرحله، با استفاده از روش نمونه‌گیری غیر احتمالی (گلوله برفی) به کارشناسان خبره، که وثوق و اعتماد علمی‌شان اثبات شده است و به آنان ارجاع سلسله‌مراتبی می‌شود، مراجعه شد.

مراجعات اولیه به کارشناسان خبره مستقر در دانشگاه‌ها و انجمن‌های علمی تخصصی بود و مراجعات بعدی بر اساس ارجاع کارشناسان به سایر خبرگان صورت گرفت. نمونه‌ها تا مرحله‌ای ادامه یافت که یا اسامی خبرگان یا یافته‌های پژوهش دچار تکرار شدند و به عبارتی اشباع در شاخه‌ها پدیدار شد.

کارشناسان خبره افرادی بودند که، ضمن داشتن تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر در ایران و کاندیداتوری علم و بالاتر در تاجیکستان، به حوزه مسائل اقتصادی آگاهی داشتند و از قابلیت ارجاع برخوردار بودند.

۲.۳.۳ عملیات میدانی (مصاحبه با مردم) در ایران و تاجیکستان

جامعه آماری این مرحله از پژوهش را مردم (اتباع) ایران و تاجیکستان تشکیل داده‌اند. با توجه به این که پاسخ‌گویی به پرسش‌های این پژوهش نیازمند برخورداری از اطلاعات و تجربه زندگی و آشنایی نسبی با مسائل اقتصادی جاری در جامعه بود پاسخ‌گویان پژوهش از میان افراد متأهل، حداقل یک بار ازدواج کرده، یا سرپرست خانوار برگزیده شدند.

۴.۳ حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

۱.۴.۳ خبرگان (ایران و تاجیکستان)

بر اساس روش پژوهش، و با استفاده از الگوی معرفی‌شده در بخش روش‌شناسی، پرسش‌نامه تهیه‌شده، در ایران از طریق انجمن‌های علمی و دانشگاه‌ها و در تاجیکستان از طریق خبرگان انستیتو دموگرافی آکادمی علوم، در اختیار سایر خبرگان تأییدشده و موجه در مراکز علمی و پژوهشی دو کشور قرار گرفت و در نهایت، با چرخش پرسش‌نامه میان خبرگان، تعداد ۵۰ پرسش‌نامه در ایران و ۴۸ پرسش‌نامه در تاجیکستان تکمیل شد و درباره این تعداد پرسش‌نامه بررسی نهایی انجام گرفت.

۲.۴.۳ مردم (ایران و تاجیکستان)

۱.۲.۴.۳ ایران

مردم پاسخ‌گو به پرسش‌نامهٔ مسائل اقتصادی ایران در مجموع ۴۰۰ نفر بوده‌اند. اختصاص حجم نمونه با توجه به سه شاخص ۱. تعداد جمعیت، ۲. پراکنش جغرافیایی، و ۳. مرکزیت استان انجام شد. بنابر دسته‌بندی‌های صورت‌گرفته از بین شهرهایی که دارای جمعیت بیش از ۱ میلیون نفر هستند یک شهر (تهران)، از بین شهرهایی که دارای جمعیت ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر هستند یک شهر (قم)، از بین شهرهایی که دارای جمعیت ۲۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفر هستند یک شهر (سنندج)، از بین شهرهایی که دارای جمعیت ۱۰۰ هزار تا ۲۵۰ هزار نفر بوده‌اند یک شهر (سمنان)، و از بین شهرهایی که کم‌تر از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت دارند نیز یک شهر (یاسوج) انتخاب شد. شهرها و شهرستان‌های انتخاب‌شده از نواحی شهری و روستایی برخوردار هستند و نمونه‌ها با توجه به این نکته انتخاب شده‌اند.

به علاوه، با توجه به جمعیت نواحی انتخاب‌شده تعداد نمونه‌ها نیز متفاوت بوده است به این شکل که از ۴۰۰ نمونهٔ انتخابی ایران ۱۲۰ پاسخ‌گو در تهران، ۱۰۰ پاسخ‌گو در قم، ۸۰ پاسخ‌گو در سنندج، ۶۰ پاسخ‌گو در سمنان، و ۴۰ پاسخ‌گو در یاسوج قرار داشتند. نمونه‌ها از چهار جهت اصلی (شمال، جنوب، شرق، و غرب) این نواحی و به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند.

۲.۲.۴.۳ تاجیکستان

برای جمع‌آوری اطلاعات از مردم تاجیکستان نیز شیوه و حجم نمونه‌ای مشابه با ایران (۴۰۰ نمونه) در دستور کار قرار گرفت. بنابراین، به تعداد جمعیت، پراکنش جغرافیایی، و مرکزیت در انتخاب محل جمع‌آوری اطلاعات توجه شد. به علاوه، پاسخ‌گویان از میان افراد متأهل، حداقل یک بار ازدواج کرده، یا سرپرست خانوار برگزیده شدند.

در تاجیکستان، نمونه‌ها از چهار مجموعهٔ سکونت‌گاهی انتخاب شده‌اند: ۱. دوشنبه، ۲. خجند، ۳. قرقان تپه، و ۴. وحدت. نمونه‌های اختصاص‌یافته به هریک از این مراکز با توجه به تعداد جمعیت آن‌ها انتخاب شده‌اند به طوری که از مجموع نمونه‌ها ۲۰۰ نمونه از دوشنبه، ۱۰۰ نمونه از خجند، ۶۰ نمونه از قرقان تپه، و ۴۰ نمونه از وحدت انتخاب شده‌اند.

۴. یافته‌های پژوهش

۱.۴ ایران

۱.۱.۴ مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران (با توجه به شیوع و اهمیت آن‌ها) از دیدگاه خبرگان دوازده مسئله از مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران به لحاظ شیوع و اهمیت آن‌ها از دیدگاه خبرگان، بنابر یافته‌های ارائه‌شده در جدول ۱، به ترتیب عبارتند از:

۱. «تورم و گرانی» با میانگین امتیاز ۸/۲۸؛
۲. «ناتوانی رقابت اقتصادی در بازار جهانی» با میانگین امتیاز ۸/۲۴؛
۳. «رانت‌خواری» با میانگین امتیاز ۸/۱۸؛
۴. «بی‌کاری» با میانگین امتیاز ۸/۰۸؛
۵. «پارتنری بازی» با میانگین امتیاز ۸/۰۲؛
۶. «ناامنی اقتصادی» با میانگین امتیاز ۸؛
۷. «قاچاق کالا» با میانگین امتیاز ۸؛
۸. «پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزد» با میانگین امتیاز ۷/۹۲؛
۹. «ضعف مدیریت منابع انرژی» با میانگین امتیاز ۷/۹۰؛
۱۰. «فقر اقتصادی» با میانگین امتیاز ۷/۸۵؛
۱۱. «بالا بودن حجم حوادث رانندگی» با میانگین امتیاز ۷/۸۲؛
۱۲. «گرانی مسکن» با میانگین امتیاز ۷/۷۸.

رأس این جدول گویای شیوع متعدد اقتصادی در ارتباط با نیازهای اولیه مردم است؛ شیوع تورم و گرانی، بی‌کاری، پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزد، فقر اقتصادی، و گرانی مسکن نشان‌دهنده وجود تنگناهای متعدد اقتصادی، نبود رونق در کسب‌وکار، و ناتوانی افراد در تأمین مایحتاج اولیه زندگی است. از سوی دیگر، فساد اداری، از جمله رانت‌خواری و پارتنری بازی و بروز ناشایسته‌سالاری‌ها و سوء مدیریت، موجب ناتوانی رقابت اقتصادی ایران در بازار جهانی شده و ضعف‌های قانونی و سیاسی‌کاری و ... امنیت سرمایه‌گذاری در ایران را به مخاطره انداخته است. ناامنی اقتصادی به سلب رونق از کسب‌وکار منجر شده و قاچاق کالا، با هدف جبران کاستی‌های ناشی از گرانی کالاها و نبود کسب‌وکار و تولید، ضرباتی ویران‌گر بر اقتصاد و بازار ایران وارد ساخته است.

جدول ۱: مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران (با توجه به شیوع و اهمیت آنها) از دیدگاه خبرگان

رتبه	مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران	میانگین امتیازات (۰-۱۰)
۱	تورم و گرانی	۸.۲۸
۲	ناتوانی رقابت اقتصادی در بازار جهانی	۸.۲۴
۳	رانت‌خواری	۸.۱۸
۴	بیکاری	۸.۰۸
۵	پارتی‌بازی	۸.۰۲
۶	ناامنی اقتصادی	۸
۷	قاچاق کالا	۸
۸	پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزد	۷.۹۲
۹	ضعف مدیریت منابع انرژی	۷.۹۰
۱۰	فقر اقتصادی	۷.۸۵
۱۱	بالا بودن حجم حوادث رانندگی	۷.۸۲
۱۲	گرانی مسکن	۷.۷۸

۲.۱.۴ مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران (با توجه به شیوع و اهمیت آنها) از دیدگاه مردم

جدول ۲ گویای مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران از دیدگاه مردم است. این فهرست بیان‌کننده آن است که «تورم و گرانی» با میانگین امتیاز ۸/۳۳ در رتبه نخست مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران قرار دارد. پس از آن «بی‌کاری» با میانگین ۸/۳۱ امتیاز در رتبه دوم، «پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزد» با میانگین ۷/۴۱ امتیاز در رتبه سوم، «ناامنی اقتصادی» با میانگین ۷/۲۱ امتیاز در رتبه چهارم، و «پارتی‌بازی» با میانگین ۷/۲۰ امتیاز در رتبه پنجم از این فهرست قرار گرفته‌اند. در ادامه، مسائلی چون «گرانی مسکن»، «قاچاق کالا»، «فقر اقتصادی»، «رانت‌خواری»، «بالا بودن حجم حوادث رانندگی»، «ضعف مدیریت منابع انرژی»، و «ناتوانی رقابت اقتصادی در بازارهای جهانی» در رتبه‌های ششم تا دوازدهم قرار گرفته‌اند. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت «تورم و گرانی»، «مسائل مربوط به اشتغال»، «فساد اداری»، و «گرانی مسکن» مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران را از نظر مردم تشکیل می‌دهند.

جدول ۲. مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران (با توجه به شیوع و اهمیت آنها) از دیدگاه مردم ایران

ردیف	مسائل اقتصادی	میانگین امتیازات (۱۰-۰)
۱	تورم و گرانی	۸.۳۳
۲	بیکاری	۸.۳۱
۳	پایین‌بودن سطح درآمد و دست‌مزد	۷.۴۱
۴	ناامنی اقتصادی	۷.۲۱
۵	پارته‌بازی	۷.۲۰
۶	گرانی مسکن	۷.۰۸
۷	قاچاق کالا	۷.۰۳
۸	فقر اقتصادی	۶.۹۹
۹	بالابودن حجم حوادث رانندگی	۶.۸۲
۱۰	رانت‌خواری	۶.۶۹
۱۱	ضعف مدیریت منابع انرژی	۶.۱۹
۱۲	ناتوانی رقابت اقتصادی در بازارهای جهانی	۶.۱۵

۳.۱.۴ مقایسه و جمع‌بندی نظرات خبرگان و مردم درباره مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران (با توجه به شیوع و اهمیت آنها)

جدول ۳ نشان‌دهنده اولویت‌های مسائل اقتصادی ایران، از نظر شیوع و اهمیت آنها از دیدگاه خبرگان و مردم، و جمع‌بندی نظرات خبرگان و مردم است.

یافته‌های این جدول نشان می‌دهد که تورم و گرانی، با میانگین امتیاز ۸/۲۸ از خبرگان و ۸/۳۳ از مردم و کسب امتیاز نهایی ۸/۳۰، در رتبه نخست مسائل اقتصادی ایران قرار گرفته است. بی‌کاری با میانگین امتیاز ۸/۰۸ از خبرگان و ۸/۳۱ از مردم و کسب امتیاز نهایی ۸/۱۰ در رتبه دوم و پایین‌بودن سطح درآمد و دست‌مزد با میانگین امتیاز ۷/۹۲ از خبرگان و ۷/۴۱ از مردم و کسب امتیاز نهایی ۷/۶۶ در رتبه سوم جای دارند. در مراتب بعدی مسائل پارته‌بازی با امتیاز نهایی ۷/۶۱، ناامنی اقتصادی با امتیاز نهایی ۷/۶۰، قاچاق کالا با امتیاز نهایی ۷/۵۱، رانت‌خواری و گرانی مسکن با امتیاز نهایی ۷/۴۳، فقر اقتصادی با امتیاز نهایی ۷/۴۲، بالابودن حجم حوادث رانندگی با امتیاز نهایی ۷/۳۲، ناتوانی رقابت اقتصادی در بازار جهانی با امتیاز نهایی ۷/۱۹ و ضعف مدیریت منابع انرژی با امتیاز نهایی ۷/۰۴ قرار گرفته‌اند. در بین مسائل اقتصادی سه مسئله «تورم و گرانی»، «ناتوانی رقابت اقتصادی در بازار جهانی»، و سپس «رانت‌خواری» از نظر خبرگان دارای اهمیت بیشتری

بوده‌اند. در حالی که توجه مردم به ترتیب متوجه سه مسئله «تورم و گرانی»، «بی‌کاری» و همچنین «پایین‌بودن سطح درآمد و دست‌مزد» در ایران است. این تفاوت نشان می‌دهد که مردم نسبت به خبرگان مسائل اشتغال و درآمد را بیش‌تر لمس کرده و با آن مواجه بوده‌اند، در حالی که خبرگان بیش‌تر به روابط کلان اقتصادی و مسائل موجود در آن توجه داشته‌اند. در مجموع، می‌توان گفت که تورم و گرانی، مسائل اشتغال، درآمد، و فساد اداری مهم‌ترین مسائل ایران را تشکیل می‌دهند.

جدول ۳. مقایسه و جمع‌بندی نظرات خبرگان و مردم درباره مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران (با توجه به شیوع و اهمیت آن‌ها)

رتبه نهایی	امتیاز نهایی (۰ تا ۱۰)	میانگین امتیازات مردم	میانگین امتیازات خبرگان	مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران
۱	۸.۳۰	۸.۳۳	۸.۲۸	تورم و گرانی
۲	۸.۱۰	۸.۳۱	۸.۰۸	بی‌کاری
۳	۷.۶۶	۷.۴۱	۷.۹۲	پایین‌بودن سطح درآمد و دست‌مزد
۴	۷.۶۱	۷.۲۰	۸.۰۲	پارته‌بازی
۵	۷.۶۰	۷.۲۱	۸	ناامنی اقتصادی
۶	۷.۵۱	۷.۰۳	۸	قاچاق کالا
۷	۷.۴۳	۶.۶۹	۸.۱۸	رانت‌خواری
۸	۷.۴۳	۷.۰۸	۷.۷۸	گرانی مسکن
۹	۷.۴۲	۶.۹۹	۷.۸۵	فقر اقتصادی
۱۰	۷.۳۲	۶.۸۲	۷.۸۲	بالا بودن حجم حوادث رانندگی
۱۱	۷.۱۹	۶.۱۵	۸.۲۴	ناتوانی رقابت اقتصادی در بازار جهانی
۱۲	۷.۰۴	۶.۱۹	۷.۹۰	ضعف مدیریت منابع انرژی

۲.۴. تاجیکستان

۱.۲.۴ مهم‌ترین مسائل اقتصادی تاجیکستان (با توجه به شیوع و اهمیت آن‌ها) از دیدگاه خبرگان بر اساس نظر خبرگان تاجیکی، و بر پایه یافته‌های جدول ۴، مهم‌ترین مسائل اقتصادی این کشور به ترتیب عبارتند از:

۱. «بی‌کاری» با میانگین امتیاز ۶؛

۲. «رشوہ‌گیری پلیس» با میانگین امتیاز ۵/۹۶؛

۳. «ناتوانی رقابت تولیدات داخلی با محصولات وارداتی» با میانگین امتیاز ۵/۸۲؛
۴. «نبود شرایط کار» با میانگین امتیاز ۵/۸۱؛
۵. «کمبود و نارسایی گاز (مصرفی)» با میانگین امتیازات ۵/۸۱؛
۶. «پارتنری بازی» با میانگین امتیاز ۵/۵۹؛
۷. «رشوگیری» در ادارات دولتی با میانگین امتیاز ۵/۵۸؛
۸. «وابستگی اقتصادی به کشورهای خارجی» با میانگین امتیاز ۵/۵۰؛
۹. «پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزدها» با میانگین امتیاز ۵/۴۹؛
۱۰. «کمبود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی و امور زیربنایی» با میانگین امتیاز ۵/۴۸؛
۱۱. «ناتوانی رقابت اقتصادی در بازار جهانی» با میانگین امتیاز ۵/۴۵؛
۱۲. «افزایش قیمت کالا و خدمات» با میانگین امتیاز ۵/۳۴.

در مجموع مهم‌ترین مسائل اقتصادی تاجیکستان را بنابر اهمیت و شیوع آن‌ها می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱. مسائل اشتغال، ۲. فساد اداری، ۳. مسائل مربوط به تولید و سرمایه‌گذاری، و ۴. کمبود و گرانی امکانات.

دسته اول یعنی مسائل اشتغال، که به‌مثابه مهم‌ترین مسائل اقتصادی تاجیکستان معرفی شده‌اند، شامل «بی‌کاری»، «نبود شرایط کار»، و «پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزدها» است. آمار رسمی ارائه‌شده درباره بی‌کاری در تاجیکستان گویای افزایش نسبی سطح بی‌کاری طی سال‌های گذشته است. اگر رقم مهاجران تاجیک به روسیه و قزاقستان و ...، که به سبب بی‌کاری و به قصد کاریابی از کشور خارج شده‌اند، را به عدد بی‌کاران اضافه کنیم با رقم بی‌کاری بسیار هولناک در این کشور مواجه خواهیم شد که گویای عمق این معضل در تاجیکستان است. پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزدها در این کشور نیز از مهم‌ترین علل فقر، بی‌کاری پنهان، و مهاجرت گسترده اهالی تاجیکستان به خارج از کشور به قصد کاریابی است. هرچند طی سال‌های اخیر دست‌مزد اهالی اندکی افزایش داشته است اما هنوز این درآمد و دست‌مزدها، با توجه به گرانی و تورم و قیمت بالای کالاهای اساسی مورد نیاز اهالی، بسیار پایین است و این میزان دست‌مزد برای گذران زندگی یک خانوار و حتی یک نفر کافی نیست.

ضعف بنیه اقتصادی، نبود و کمبود کار و اشتغال مناسب، و پایین بودن سطح دست‌مزد و درآمدها در تمامی گروه‌های شغلی (از جمله متخصصان، تحصیل‌کرده‌ها، و ...) موجب ادامه روند مهاجرت کاری به خارج از کشور شده است.

جدول ۴. مهم‌ترین مسائل اقتصادی تاجیکستان (با توجه به شیوع و اهمیت آنها) از دیدگاه خبرگان

ردیف	مسائل اقتصادی	میانگین امتیازات (۰-۱۰)
۱	بیکاری	۶
۲	رشوه‌گیری پلیس	۵.۹۶
۳	ناتوانی رقابت تولیدات داخلی با محصولات وارداتی	۵.۸۲
۴	نبود شرایط کار	۵.۸۱
۵	کمبود و نارسایی گاز (مصرفی)	۵.۸۱
۶	پارتی‌بازی	۵.۵۹
۷	رشوه‌گیری در ادارات دولتی	۵.۵۸
۸	وابستگی اقتصادی به کشورهای خارجی	۵.۵۰
۹	پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزدها	۵.۴۹
۱۰	کمبود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی و امور زیربنایی	۵.۴۸
۱۱	ناتوانی رقابت اقتصادی در بازارهای جهانی	۵.۴۵
۱۲	افزایش قیمت کالا و خدمات	۵.۳۴

فساد اداری به‌منزلهٔ دومین دسته از مسائل اقتصادی تاجیکستان شامل «رشوه‌گیری پلیس»، «آشنابازی (پارتی‌بازی)»، «رشوه‌گیری در ادارات دولتی»، و «رانت‌خواری» بوده است. رشوه‌گیری پلیس، به‌مثابهٔ دومین مسئلهٔ اقتصادی با اهمیت و شایع در این کشور، موجب تشدید ناامنی اقتصادی-اجتماعی، بی‌قانونی، و بی‌عدالتی خواهد شد و پایه‌های اخلاقی و نظام ارزشی را با چالش جدی مواجه خواهد کرد. موارد متعددی از هم‌دستی برخی نیروهای پلیس با تبهکاران برای به‌دام‌انداختن اهالی و مسافران خارجی دیده و شنیده شده است (هر چند برخی از این موارد با جعل نام پلیس صورت می‌گیرد).

«رشوه‌گیری» در تاجیکستان فقط در نیروهای پلیس اتفاق نمی‌افتد بلکه رشوه‌گیری در ادارات دولتی نیز به‌مثابهٔ مسئله‌ای مهم وجود دارد. از پیامدهای ناگوار «رشوه‌گیری» ایجاد و تشدید نابرابری اجتماعی و فاصلهٔ طبقاتی در جامعه است، چراکه در شرایط رشوه‌گیری فقط معدودی از اهالی قادر به پرداخت رشوه، برای عبور از موانع اداری و حقوقی، خواهند بود و عدهٔ زیادی که، به سبب ناتوانی مالی، امکان پرداخت رشوه را ندارند این‌گونه از دست‌یابی به فرصت‌های قانونی و حقوقی خود محروم خواهند شد. دادستان کل تاجیکستان (آقای باباخان) ضمن ارائهٔ گزارشی دربارهٔ فعالیت‌های دادستانی در نشست مطبوعاتی، که روز سه‌شنبه مورخ ۱۲ ژانویه ۲۰۱۰ برگزار شد، گفت:

میزان ارتکاب جرایم در میان ماموران نهادهای انتظامی در تاجیکستان در حال افزایش است و در سال ۲۰۰۹ علیه ۱۷۴ کارمند نهادهای انتظامی پرونده جنایی باز شده است که ۱۱۰ نفر از آن‌ها ماموران وزارت داخله (وزارت کشور) تاجیکستان می‌باشند. در سال ۲۰۰۹، ۲۷ افسر وزارت دفاع، پنج کارمند امنیتی، سه مسئول آژانس مبارزه با فساد، چهار کارمند کمیته مالیات، ۱۰ قاضی، ۱۰ مامور گمرک، و ۲ کارمند وزارت عدلیه (دادگستری) به ارتکاب جرایم متهم شده‌اند.

علاوه بر جرایم قابل مشاهده و قابل شکایت، که در قانون به آن‌ها اشاره شده است، برخی رفتارهای غیراخلاقی و فاسد دیگر از جمله آشنابازی (پارتی‌بازی) و رانت‌خواری نیز در ادارات دولتی وجود دارد. آشنابازی موجب ناشایسته‌سالاری و زمینه‌سازی برای تبهکاری و فساد اداری و البته جلوه‌ای آشکار از بی‌عدالتی و تبعیض است و موجب ناکارآمدی نهادهای مختلف می‌شود.

سوءاستفاده از ارتباطات و موقعیت‌های شغلی دولتی و برداشت‌های غیرقانونی از مسئولیت‌های رسمی نیز موجب از دست رفتن منافع عمومی به نفع افراد و گروه‌های خاص شده است. در مجموع، به نظر می‌رسد که، پیش از هر اقدام اقتصادی-اجتماعی برای توسعه ملی و به منظور جلوگیری از به‌هدر رفتن اندوخته‌های ملی، لازم است اقدامی جمعی و گسترده علیه فساد اداری صورت گیرد.

دسته سوم از مسائل اقتصادی مهم در تاجیکستان را مسائل مربوط به تولید و سرمایه‌گذاری تشکیل می‌دهند. مسائلی همچون «ناتوانی رقابت تولیدات داخلی با محصولات وارداتی»، «وابستگی اقتصادی به کشورهای خارجی»، «کمبود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی و امور زیربنایی»، و «ناتوانی رقابت اقتصادی در بازارهای جهانی». افزایش توان تولید و قابلیت رقابت در بازارهای جهانی نیازمند برخورداری از نیروهای متخصص، برنامه‌های توسعه‌ای بلندمدت، سرمایه‌گذاری، نیروی انسانی آموزش‌دیده، قوانین حمایت‌کننده از تولیدکنندگان، و امنیت سرمایه‌گذاری است. این در حالی است که تاجیکستان با مسئله مهاجرت گسترده نیروی کار و نیروی متخصص، فساد اداری، و ناتوانی مالی مواجه است و این مسائل کفایت تا هرگونه برنامه توسعه‌ای و قوانین حمایت‌کننده از تولیدات، تحت تأثیر رشوه‌گیری‌ها، رانت‌خواری، و پارتی‌بازی (آشنابازی)، بی‌ثمر شود و چرخه بی‌کاری و مهاجرت همچنان موجب ناتوانی اقتصادی این کشور شود. به‌علاوه، جلب حمایت سرمایه‌های خارجی نیز، که به‌متابۀ یکی از راه‌های تأمین سرمایه اولیه برای رونق اقتصادی مدنظر است، در سایه ناامنی اقتصادی-اجتماعی و فساد اداری بسیار دشوار به نظر می‌رسد.

دسته چهارم از مسائل اقتصادی تاجیکستان مربوط به کمبود و گرانی امکانات است که مسائلی همچون «کمبود و نارسایی گاز»، «گرانی مسکن»، و «افزایش قیمت کالاها و خدمات» در این دسته قرار می‌گیرند. عموم این مسائل ریشه در کمبود سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی دارد و در مجموع گویای کمبود عرضه محصولات در مقابل تقاضای آن محصولات در تاجیکستان است؛ ناتوانی اقتصادی افراد را از تأمین احتیاجات زندگی، از جمله مسکن و کالاها و خدمات، ناتوان می‌سازد و حتی در صورتی که قیمت کالاها پایین‌تر از قیمت جهانی آن باشد، به سبب ناتوانی اقتصادی افراد، قیمت آن کالا گران تلقی می‌شود؛ در این شرایط مهم آن نیست که واقعاً قیمت مسکن یا کالاها و ... گران هست یا نه بلکه مهم آن است که احساس گران بودن قیمت مسکن و کالاها در جامعه وجود دارد و این خود بازگوکننده وجود احساس فقر در جامعه است. با توجه به تمرکز نسبی تاجیکستان بر اکتشاف منابع گاز امید است که مسئله کمبود گاز مصرفی در این کشور در آینده رو به بهبودی برود.

۲.۲.۴ مهم‌ترین مسائل اقتصادی تاجیکستان (با توجه به شیوع و اهمیت آنها) از دیدگاه مردم
جدول ۵ نشان‌دهنده مهم‌ترین و شایع‌ترین مسائل اقتصادی تاجیکستان از دیدگاه مردم این کشور است که عبارتند از:

۱. «آشنا بازی (پارتی بازی)» با میانگین امتیاز ۶/۴۷؛
۲. «کمبود و نارسایی گاز (مصرفی)» با میانگین امتیاز ۶/۱۸؛
۳. «رشو گیری در ادارات دولتی» با میانگین امتیاز ۵/۹۹؛
۴. «رشو گیری پلیس» با میانگین امتیاز ۵/۹۴؛
۵. «بی‌کاری» با میانگین امتیاز ۵/۸۳؛
۶. «افزایش قیمت اشیا و خدمات» با میانگین امتیاز ۵/۷۷؛
۷. «نبود شرایط کار» با میانگین امتیاز ۵/۶۲؛
۸. «ناتوانی رقابت تولیدات داخلی با محصولات وارداتی» با میانگین امتیاز ۵/۵۰؛
۹. «وابستگی اقتصاد به کشورهای خارجی» با میانگین امتیاز ۵/۴۲؛
۱۰. «ناتوانی رقابت اقتصادی در بازارهای جهانی» با میانگین امتیاز ۵/۳۲؛
۱۱. «پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزد» با میانگین امتیاز ۵/۰۸؛
۱۲. «کمبود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی و امور زیربنایی» با میانگین امتیاز ۵/۰۲.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که مهم‌ترین و شایع‌ترین مسئله اقتصادی در نظر مردم تاجیکستان مسئله فساد اداری است چراکه «آشنابازی (پارتی‌بازی)»، «رشوه‌گیری در ادارات دولتی»، و «رشوه‌گیری پلیس» بالاترین میانگین امتیازات را دارند. «کمبود و نارسایی گاز» و سپس «بی‌کاری و گرانی» نیز از مهم‌ترین مسائل این کشور هستند.

جدول ۵. مهم‌ترین مسائل اقتصادی تاجیکستان از دیدگاه مردم تاجیکستان

ردیف	مسائل اقتصادی	میانگین امتیازات (۱۰-۰)
۱	آشنابازی (پارتی‌بازی)	۶.۴۷
۲	کمبود و نارسایی گاز (مصرفی)	۶.۱۸
۳	رشوه‌گیری در ادارات دولتی	۵.۹۹
۴	رشوه‌گیری پلیس	۵.۹۴
۵	بی‌کاری	۵.۸۳
۶	افزایش قیمت کالاها و خدمات	۵.۷۷
۷	نبود شرایط کار	۵.۶۲
۸	ناتوانی رقابت تولیدات داخلی با محصولات وارداتی	۵.۵۰
۹	وابستگی اقتصاد به کشورهای خارجی	۵.۴۲
۱۰	ناتوانی رقابت اقتصادی در بازارهای جهانی	۵.۳۲
۱۱	پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزد	۵.۰۸
۱۲	کمبود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی و اموززیربنایی	۵.۰۲

۳.۲.۴ مقایسه و جمع‌بندی نظرات خبرگان و مردم درباره مهم‌ترین مسائل اقتصادی تاجیکستان (با توجه به شیوع و اهمیت آن‌ها)

جدول ۶ نشان‌دهنده اولویت‌های مسائل اقتصادی تاجیکستان، با توجه به شیوع اهمیت آن‌ها از دیدگاه خبرگان و مردم، و جمع‌بندی نظرات خبرگان و مردم است. یافته‌های این جدول گویای آن است که مسائل «پارتی‌بازی (آشنابازی)» با میانگین امتیاز ۵/۵۹ از خبرگان و ۶/۴۷ از مردم و کسب امتیاز نهایی ۶/۰۳ در رتبه اول، «کمبود و نارسایی گاز (مصرفی)» با برخورداری از میانگین امتیاز ۵/۸۱ از خبرگان و ۶/۱۸ از مردم و کسب امتیازهای نهایی ۶ در رتبه دوم، و «رشوه‌گیری پلیس» با برخورداری از میانگین امتیاز ۵/۹۶ از خبرگان و ۵/۹۴ از مردم و کسب امتیاز نهایی ۵/۹۵ در رتبه سوم قرار گرفته‌اند. رتبه‌های بعدی به ترتیب مربوط به «بی‌کاری» با امتیاز نهایی ۵/۹۱، «رشوه‌گیری در ادارات دولتی» با امتیاز نهایی ۵/۷۸، «نبود شرایط کار» با امتیاز نهایی ۵/۷۱، «ناتوانی رقابت تولیدات داخلی با محصولات

وارداتی» با امتیاز نهایی ۵/۶۶، و پس از آن «افزایش قیمت کالا و خدمات»، «وابستگی اقتصادی به کشورهای خارجی»، «ناتوانی رقابت اقتصادی در بازارهای جهانی»، «پایین بودن سطح درآمد و دستمزدها» و «کمبود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی و امور زیربنایی» قرار دارند.

در مقایسه میانگین امتیازات داده‌شده توسط خبرگان و مردم مشاهده می‌کنیم که مردم تاجیکستان نسبت به خبرگان به مسائل پارتی‌بازی (آشنابازی)، کمبود و نارسایی گاز (مصرفی)، رشوه‌گیری در ادارات دولتی، و افزایش قیمت کالا و خدمات امتیاز بالاتری داده‌اند، در سایر موارد خبرگان امتیاز بالاتری داده‌اند.

این جدول گویای اهمیت شیوع سه دسته مسائل اقتصادی در تاجیکستان است:

۱. فساد اداری (آشنابازی، رشوه‌گیری پلیس، و رشوه‌گیری در ادارات دولتی)؛

۲. کمبود و نارسایی گاز مصرفی؛

۳. مسائل اشتغال (بی‌کاری، نبود شرایط کار، ناتوانی رقابت تولیدات داخلی با محصولات خارجی، پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزد).

جدول ۶. مقایسه و جمع‌بندی نظرات خبرگان و مردم درباره مهم‌ترین مسائل اقتصادی تاجیکستان (با توجه به شیوع و اهمیت آنها)

رتبه نهایی	امتیاز نهایی (۰ تا ۱۰)	میانگین امتیازات مردم	میانگین امتیازات خبرگان	مهم‌ترین مسائل اقتصادی تاجیکستان
۱	۶.۰۳	۶.۴۷	۵.۵۹	پارتی‌بازی
۲	۶	۶.۱۸	۵.۸۱	کمبود و نارسایی گاز (مصرفی)
۳	۵.۹۵	۵.۹۴	۵.۹۶	رشوه‌گیری پلیس
۴	۵.۹۱	۵.۸۳	۶	بیکاری
۵	۵.۷۸	۵.۹۹	۵.۵۸	رشوه‌گیری در ادارات دولتی
۶	۵.۷۱	۵.۶۲	۵.۸۱	نبود شرایط کار
۷	۵.۶۶	۵.۵۰	۵.۸۲	ناتوانی رقابت تولیدات داخلی با محصولات وارداتی
۸	۵.۵۵	۵.۷۷	۵.۳۴	افزایش قیمت کالا و خدمات
۹	۵.۴۶	۵.۴۲	۵.۵۰	وابستگی اقتصادی به کشورهای خارجی
۱۰	۵.۳۸	۵.۳۲	۵.۴۵	ناتوانی رقابت اقتصادی در بازارهای جهانی
۱۱	۵.۲۸	۵.۰۸	۵.۴۹	پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزدها
۱۲	۵.۲۵	۵.۰۲	۵.۴۸	کمبود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی و امور زیربنایی

۵. بررسی مقایسه‌ای مسائل اقتصادی ایران و تاجیکستان

۱.۵ مقایسه جمع نظرات خبرگان و مردم درباره مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران و تاجیکستان (باتوجه به شیوع و اهمیت آنها)

جدول ۷ نشان‌دهنده مقایسه جمع نظرات خبرگان و مردم دو کشور ایران و تاجیکستان درباره مهم‌ترین مسائل اقتصادی این کشورهاست. یافته‌های این جدول نشان می‌دهد که مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران به ترتیب عبارتند از:

۱. تورم و گرانی با امتیاز نهایی ۸/۳۰؛

۲. بی‌کاری با امتیاز نهایی ۸/۱۰؛

۳. پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزد با امتیاز نهایی ۷/۶۶؛

۴. پارتی‌بازی (آشنا‌بازی) با امتیاز نهایی ۷/۶۱؛

۵. ناامنی اقتصادی با امتیاز نهایی ۷/۶۰.

و پس از آن مسائل قاچاق کالا، رانت‌خواری، گرانی مسکن، فقر اقتصادی، بالابودن حجم حوادث رانندگی، ناتوانی رقابت اقتصادی در بازارهای جهانی، و ضعف مدیریت منابع انرژی قرار گرفته‌اند. در تاجیکستان این وضعیت به شکلی است که مهم‌ترین مسائل اقتصادی این کشور به ترتیب عبارتند از:

۱. پارتی‌بازی (آشنا‌بازی) با امتیاز نهایی ۶/۰۳؛

۲. کمبود و نارسایی گاز (مصرفی) با امتیاز نهایی ۵/۹۹؛

۳. رشوه‌گیری پلیس با امتیاز نهایی ۵/۹۵؛

۴. بی‌کاری با امتیاز نهایی ۵/۹۱؛

۵. رشوه‌گیری در ادارات دولتی با امتیاز نهایی ۵/۷۸.

و پس از آن مسائل نبود شرایط کار، ناتوانی رقابت تولیدات داخلی با محصولات وارداتی، افزایش قیمت کالا و خدمات، وابستگی اقتصادی اقتصادی به کشورهای خارجی، ناتوانی رقابت اقتصادی در بازارهای جهانی، پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزدها، و کمبود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی و امور زیربنایی قرار دارند.

در مجموع، می‌توان مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران را چنین دسته‌بندی کرد: ۱. تورم و گرانی، ۲. مسائل اشتغال و درآمد، و ۳. فساد اداری. البته دو مسئله گرانی مسکن و

بالا بودن حجم حوادث رانندگی نیز از مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران هستند. در ایران به علت «ضعف مدیریت»، «کمبود و غیراستاندارد بودن راه‌ها و خودروها»، «بالا بودن تعداد خودروها»، و «ضعف در فرهنگ ترافیکی و رانندگی» تصادفات جاده‌ای منجر به مرگ و سایر آسیب‌ها بسیار بالاست و به‌طور میانگین هر ۲۰ دقیقه یک نفر بر اثر حوادث رانندگی در ایران جان خود را از دست می‌دهد. طی ۳۰ سال گذشته، کشته‌شدگان ناشی از حوادث رانندگی حدود چهار برابر کشته‌شدگان ایران در جنگ با عراق برآورد شده‌اند. با توسعه اقتصادی و افزایش تعداد خودروها در تاجیکستان به نظر می‌رسد این موضوع در تاجیکستان نیز در سال‌های آینده به مسئله‌ای مهم تبدیل شود چراکه ضعف در راه‌های ارتباطی و ناهموار بودن مسیرهای کوهستانی، در کنار پایین بودن فرهنگ ترافیک، زمینه‌ساز بروز حوادث جاده‌ای خواهد بود. در مجموع مهم‌ترین مسائل اقتصادی تاجیکستان را در مقایسه با ایران می‌توان چنین معرفی کرد: ۱. فساد اداری (آشنابازی، رشوه‌گیری پلیس، و رشوه‌گیری در ادارات دولتی)، ۲. مسئله کمبود و نارسایی گاز مصرفی، ۳. مسائل مربوط به اشتغال و درآمد، و ۴. ضعف در تولید و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها.

در مقایسه مسائل دو کشور خواهیم دید که «فساد اداری» و «اشتغال و درآمد» مسائل مشترک بین دو کشور محسوب می‌شوند. کمبود و نارسایی گاز در تاجیکستان در شرایطی مطرح است که ایران به‌عنوان دومین کشور برخوردار از منابع گازی در دنیا مطرح است و می‌تواند در اکتشاف و انتقال و فروش گاز به کشور تاجیکستان نقش مهم و اساسی ایفا کند.

در مقایسه امتیازات نهایی داده‌شده به هریک از مهم‌ترین مسائل اقتصادی دو کشور ایران و تاجیکستان می‌بینیم که جمع امتیازات داده‌شده به دوازده مسئله مهم اقتصادی ایران برابر ۹۰/۶۱ و برای تاجیکستان ۶۷/۹۴ بوده است. میانگین این رقم در ارتباط با دوازده مسئله مهم ایران برابر ۷/۵۵ و در تاجیکستان ۵/۶۶ بوده است. این امر نشان‌دهنده آن است که احساس وجود مسئله و احساس شیوع و اهمیت آن در ایران بالاتر از تاجیکستان است. به‌علاوه، هرچند شاخص‌های اقتصادی در ایران وضعیت بهتری را نسبت به تاجیکستان دارند اما بالا بودن انتظارات و توقعات در ایران باعث شده است تا امتیازات بالاتری را نسبت به تاجیک‌ها به هریک از مسائل اقتصادی اختصاص دهند.

۶۰ بررسی و مقایسه مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران و تاجیکستان

جدول ۷. مقایسه جمع نظرات خبرگان و مردم درباره مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران و تاجیکستان (با توجه به شیوع و اهمیت آن‌ها)

رتبه نهایی	امتیاز نهایی (۰ تا ۱۰)	مهم‌ترین مسائل اقتصادی تاجیکستان	امتیاز نهایی (۰ تا ۱۰)	مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران
۱	۶.۰۳	پارتی‌بازی	۸.۳۰	تورم و گرانی
۲	۵.۹۹	کمبود و نارسایی گاز (مصرفی)	۸.۱۰	بیکاری
۳	۵.۹۵	رشوه‌گیری پلیس	۷.۶۶	پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزد
۴	۵.۹۱	بیکاری	۷.۶۱	پارتی‌بازی
۵	۵.۷۸	رشوه‌گیری در ادارات دولتی	۷.۶۰	نامنی اقتصادی
۶	۵.۷۱	نبود شرایط کار	۷.۵۱	قاچاق کالا
۷	۵.۶۶	ناتوانی رقابت تولیدات داخلی با محصولات وارداتی	۷.۴۳	رانت‌خواری
۸	۵.۵۵	افزایش قیمت کالا و خدمات	۷.۴۳	گرانی مسکن
۹	۵.۴۵	وابستگی اقتصادی به کشورهای خارجی	۷.۴۲	فقر اقتصادی
۱۰	۵.۳۸	ناتوانی رقابت اقتصادی در بازارهای جهانی	۷.۳۲	بالا بودن حجم حوادث رانندگی
۱۱	۵.۲۸	پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزدها	۷.۱۹	ناتوانی رقابت اقتصادی در بازار جهانی
۱۲	۵.۲۵	کمبود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی و امور زیربنایی	۷.۰۴	ضعف مدیریت منابع انرژی

۶. نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی کوتاه از آنچه در این مقاله گفته شد می‌توان گفت مهم‌ترین مسئله اقتصادی مشترک میان دو کشور ایران و تاجیکستان «فساد اداری» است. این مسئله شامل پارتی‌بازی، رانت‌خواری، و رشوه‌گیری بوده که به خودی‌خود بنیان‌های اقتصادی-اجتماعی دو کشور را با تزلزل اساسی روبه‌رو کرده است. این مسئله موجب ناکارآمدی دو کشور در توسعه اقتصادی و به دنبال آن مانع توسعه اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی شده است. بیکاری، تورم و گرانی، پایین بودن سطح درآمد و دست‌مزد، نامنی اقتصادی، ضعف مدیریت منابع انرژی، و بسیاری از نابسامانی‌های اقتصادی دیگر تابعی از فساد اداری است.

برنامه‌های متعددی که به‌خصوص در کشور ایران با هدف مقابله با فساد اداری و ایجاد سلامت اداری به اجرا درآمده‌اند اغلب ناکارآمد و کژبازده بوده‌اند. بخش قابل توجهی از این شکست ناشی از نبود نظارت مردمی و نهادهای مردم‌مدار بر عملکرد اداره‌ها و نهادهای دولتی و حکومتی بوده است.

رشوه‌گیری در ادارات دولتی و در بین پلیس تاجیکستان به مسئله‌ای شایع و آشکار تبدیل شده است. شیوع رشوه‌گیری و تبانی با تبهکاران در بین کارکنان حکومتی به حدی رواج یافته است که رشوه‌گیری را در هر نهاد و از هر مسئول و غیرمسئولی می‌توان انتظار داشت. این شرایط منجر به ناکارآمدی و عدم حاکمیت قانون در این کشور شده است. هرگونه کنش و فعالیت اقتصادی-اجتماعی و سیاسی در این کشور از مسئله رشوه‌گیری و فساد اداری تأثیر می‌پذیرد. فساد اداری، به‌مثابه راه‌زنی، راه را بر توسعه اقتصادی-اجتماعی مسدود کرده است.

بی‌اعتمادی مردم به نهادهای دولتی و حکومتی در دو کشور، علاوه‌بر پیامدهای اقتصادی نام‌برده‌شده، موجب کاهش مشارکت مردم در توسعه اقتصادی گشته و، آشکارشدن فساد در برخی نهادها و از سوی برخی مسئولان، زمینه‌های تضاد بین مردم و حکومت را به وجود آورده است. در این شرایط آنچه میسر نخواهد شد رونق اقتصادی و توسعه اقتصادی-اجتماعی در کشور است.

پیش از ارائه هرگونه راه‌کاری با هدف غلبه بر مهم‌ترین مسائل در دو کشور لازم است تا نکاتی مورد توجه قرار گیرند:

نکته ۱. باید توجه داشت که گام نخست در «حل مسائل» پذیرفتن وجود مسئله‌ای در آن جامعه است و تا زمانی که صاحب‌نظران و آگاهان امر موفق نشوند مردم و مسئولان را به وجود مسئله‌ای متقاعد کنند، و وجود آن مسئله مورد تأیید و توجه عموم قرار نگیرد، عزم و اراده عمومی برای حل آن مسئله شکل نمی‌گیرد. بنابراین، گام نخست در حل مسائل دو کشور ایران و تاجیکستان پذیرش وجود هریک از مسائل توسط مسئولان و عموم مردم است؛ گام دوم ایجاد عزم عمومی برای حل آن مسئله است چراکه حل اغلب مسائل رواج‌یافته در کشورها به دست یک گروه، شخص، یا حزبی خاص امکان‌پذیر نیست و برای حل آن‌ها تمامی افراد در منسب‌های مختلف باید با یکدیگر همبسته و همیار شوند. مثلاً فرو ریختن اخلاق و وجود فساد اداری در دو کشور ایران و تاجیکستان به‌مثابه مسائلی مهم و اساسی مورد توجه خبرگان و مردم قرار دارد اما دولت‌ها ترجیح می‌دهند که خود را

پاک و دور از فساد معرفی کنند و اغلب به‌دشواری می‌پذیرند که در جامعه تحت مدیریت آن‌ها اخلاق فرو ریخته است و فساد اداری رواج دارد. بنابراین، این انکار واقعیت و گریز حکومت‌ها از تأیید وجود مسئله مهم‌ترین مانع بر سر راه حل مسائل این کشورهاست.

نکته ۲. در حل مسائل اجتماعی شده در جوامع باید توجه داشت که بروز و وجود هیچ‌یک از مسائل مهم و رواج‌یافته به یک‌باره رخ نداده است بلکه هر یک از این مسائل دارای پیشینه و قدمتی هستند که از ریشه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی برخوردار است؛ این مسائل ناشی از یک علت نیستند و بروز آن‌ها چندبعدی و چندعلتی است. از همین رو، این مسائل را نمی‌توان به یک‌باره و تک‌بعدی حل کرد و غلبه بر هر یک از مسائل اجتماعی شده نیازمند زمان و برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و بلندمدت است. مثلاً بروز مسئله‌ای مثل مهاجرت نیروی کار به خارج از کشور در تاجیکستان مسئله‌ای است که در طول زمان شکل گرفته است و علت‌های مختلفی دارد و برای حل این مسئله جمعیتی نمی‌توان یک راهکار جمعیتی ارائه داد بلکه ابعاد اقتصادی آن را نیز باید مدنظر قرار داد.

نکته ۳. باید در نظر داشت که برخی مسائل ویژگی ذاتی یک حکومت یا یک جامعه هستند و ممکن است این مسائل در قالب نظام اجتماعی موجود قابل حل نباشند. در این صورت خود نظام موجود عمده‌ترین مانع برای حل آن مسائل محسوب می‌شود. در چنین شرایطی است که مردم به انقلاب و تحول نظام موجود گرایش پیدا می‌کنند.

هرچند در این مقاله، ضمن بیان مسائل اقتصادی دو کشور، برخی راهکارها نیز مطرح شد اما ارائه راهکار برای حل مهم‌ترین مسائل دو کشور نیازمند تضارب و اجماع آرا و انجام پژوهش‌های مستقل است؛ به‌علاوه، ارائه راهکارهای معتبر نیازمند مجال و مقالی فراتر است از این رو، گرایش به ارائه راهکار در این مقاله را چندان پسندیده نیافتم.

پی‌نوشت

۱. برخی از منابع تاجیکستانی، که برای استخراج علت‌ها به کار گرفته شده‌اند، در ادامه آورده می‌شود.

Демографический ежегодник Республики Таджикистана. 2008. – Душанбе, 2010 г.

Исламов С.И. Демография Таджикистана. – Душанбе, 1985, - 176с.

Исламов Ф.С. Некоторые проблемы миграции населения Таджикистана в переходный период. - Душанбе, 1999, - 101с.

- Исламов С.И., Акрамова Х.А. Социально-демографические проблемы женщин Таджикистана в условиях перехода к рыночной экономике. - Душанбе, 2000, - 116с.
- Исламов С.И., Мирджалолова М. Демография Таджикистана в переходной экономике. - Душанбе, 1999, - 124с.
- Исламов С.И. Рождаемость населения. – Душанбе, Ирфон, 2009 г., 124с.
- Исламов С.И. Коммерческий секс: проблемы и пути решения в Республике Таджикистан: социально-демографические аспекты. - Душанбе Ирфон, 2008 г., 130с.
- Исламов С.И. Рождаемость населения. – Душанбе, 2010.
- Исламов С.И., Хайдаров А.Д. Экономико-демографические проблемы старения населения Таджикистана. - Душанбе, 2011
- Солиев Х.Х. Республика Таджикистан – 15 лет независимого экономического развития. – Душанбе. Эльод. 2007. – С.560.
- Шамсиев К.Б. Развитие предпринимательства АПК Таджикистана. – Душанбе. Ирфон. 2007. – С.158.
- Пирумшоев Х., Маликов М. Россия-Таджикистан: история взаимоотношений. – Душанбе. РТСУ. 2009. – С.688.
- Симбрь, Маъсуме (2010). Достижения планирования семьи. Журнал медицинского колледжа и Научно-исследовательского медицинского института, период 8, № 1, весна 2010 года. – Тегеран, 2010
- Харротхо, Саид. Приоритеты экономических, социальных, и культурных проблем города и стратегии по выходу из них. Заказчик: Департамент планирования и бюджета муниципалитета Тегерана. – Тегеран, 2009 г.

منابع

- آقابخشی، حبیب‌الله (۱۳۸۸). *اعتیاد و آسیب‌شناسی خانوادگی، رویکرد مددکاری اجتماعی به مسائل و آسیب‌های جامعه‌ای*، تهران: دانش‌آفرین.
- خراطها، سعید (۱۳۸۸). «اولویت‌شناسی مسائل فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی شهر تهران و راهکارهای برون‌رفت از آن‌ها»، طرح تحقیقاتی، اداره کل طرح و بودجه شهرداری تهران.
- خراطها، سعید (۱۳۹۰). «بررسی مقایسه‌ای مسائل اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی ایران و تاجیکستان و راهکارهای حل آن»، پایان‌نامه دوره دکتری، آکادمی علوم تاجیکستان.
- رابینگن، ارل و مارتین واینبرگ (۱۳۸۲). *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران: دانشگاه تهران.
- رییس‌دانا، فریبرز (۱۳۸۷). «تحول فقر در ایران»، مجموعه مقالات *مسائل اجتماعی ایران*، تهران: آگاه.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۷). «طرح مسائل اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت‌ها»، مجموعه مقالات *مسائل اجتماعی ایران*، تهران: آگاه.

۶۴ بررسی و مقایسه مهم‌ترین مسائل اقتصادی ایران و تاجیکستان

لطفی‌زاده، ابوالفضل (۱۳۹۰)، «بررسی اثرات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر روندهای سیاسی آسیای مرکزی و رهیافت‌های بنیادین (با تمرکز بر دوران پس از استقلال کشورهای آسیای مرکزی)»، پایان‌نامه دکتری، آکادمی علوم تاجیکستان.

لوزیک، دانیلین (۱۳۸۳). *نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی*، ترجمه سعید معیدفر، تهران: امیرکبیر.

